

فصلنامه تاریخ اسلام

سال پنجم، پاییز ۱۳۸۳، شماره مسلسل ۱۹، ص ۱۵۳-۱۷۴

کربلا مهم ترین زیارتگاه شیعی^۱

دوایت. م. دونالدسن

ترجمه: عباس احمدوند*

این نوشتار که فصلی از کتاب «مذهب شیعه» است، به مباحثی چون موقعیت شهر کربلا، فضیلت زیارت آن، کربلا در نگاه جغرافی دانان و سیاحان، زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام و وصف کلی کربلای معلی می پردازد. مؤلف از آغازگران مطالعات مستند امامیه در غرب انگلیسی زبان است که با وجود کهنگی نگاهش اش (۱۹۳۳)، هنوز آثارش - آن چنان که در جای دیگری مفصلاً توضیح داده ایم^۲ - مرجع محققان غربی و علاقه مند به مطالعات شیعی است. مترجم سعی نموده با توضیح پاره ای مواضع، درک نادرست نویسنده از شعائر شیعی را تصحیح نماید.

واژه های کلیدی: کربلا، زیارت، حرم امام حسین علیه السلام، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

عزاداری، روضه خوانی.

* دانشجوی دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران.

به خاطر می‌آورم که وقتی از کربلا دیدن کردیم، ساعت ۴ بامداد هتل‌مان را در بغداد ترک کردیم و چگونه سوار بر اتومبیل فوردمدل T قدیمی با سرعت زیاد از صحرا گذشتیم. کمی قبل از ساعت ۶ در شن انبوهی بسیار آهسته رانیدیم، زیرا در میان نخلستان‌هایی که این شهر مقدس را در بر داشتند به طور مارییج به مسیرمان ادامه می‌دادیم.^۳ فصل تابستان بود، این جا و آن جا مردمی را دیدیم که شب را در زیر درختان گذرانده بودند؛ آنان سماوره‌ایشان را روشن می‌کردند تا چای صبحگاهان را آماده کنند یا کنار جوی باریکی، بر نهر آبی نشسته و دندان‌هایشان را با خلالی که پیوسته نرمش می‌کردند، محکم می‌شستند.

شهر، ۳ یا ۴ مایل دورتر در میان نخلستان‌ها قرار داشته و هیچ دیوار محافظی ندارد؛ لذا چند دقیقه بعد در قهوه‌خانه‌ای که تقریباً مقابل مرقد امام حسین علیه السلام بود، نشستیم و صبحانه‌ای مقوی شامل نان داغ ایرانی^۴، چای و خرما رسیده، صرف کردیم. عجیب است که در قهوه‌خانه ایرانی انسان [فقط] می‌تواند چای بنوشد^۵، زیرا در آن جا به ندرت چیز دیگری یافت می‌شود من برای برداشتن عکسی، در خیابان اصلی منتهی به حرم از اتومبیل پیاده شدم، اما از این زاویه، برج برجسته ساعت، جلوی نمای گنبد طلایی را گرفته بود.

در قهوه‌خانه که نشستیم، توانستم طرح‌های زیبا و مارییج کاشی‌کاری مدخل مرقد و مناره‌ها را ببینم. در عرض این مدخل زنجیری آهنی بود که نشان از محدوده‌ای می‌داد که «کافران نجس» نباید از آن بگذرند^۶ زیارت این حرم با ایمان، به رسالت محمد صلی الله علیه و آله و اعتقاد به امامت الهی و منصوب امام حسین علیه السلام تکلیفی مهم و عمده است. چه این کار برای شخص زائر در بردارنده این امتیاز است که سقف خانه‌اش هرگز بر سرش فرو نمی‌ریزد و او هرگز غرق نشده، نسوخته و حیوانات وحشی به وی صدمه نخواهند رساند. اما برای کسی که مؤمن نیست رفتن به ورای آن زنجیرهای مانع، جرمی است که به احتمال زیاد توانش مرگ در نتیجه خشونت مردم است، چون آنان چنین عملی را بی‌حرمتی به حرم اطراف مزار

می‌دانند.

هم‌چنان که فکر می‌کردم، آمدن من به کربلا چقدر آسان و بی‌دردسر بوده است، متوجه شدم که سیاح صرف بودن با زائر تفاوت بسیار دارد؛ برخی از این زوار که تازه از حمام بیرون آمده بودند، در قهوه‌خانه بودند. آنان با حوله‌های قرمز روشنی که دور بدن‌های عریان خویش بسته بودند، آن جا نشسته و مشغول صرف چای بودند؛ [پس از آن] ظرف چند لحظه لباس پوشیده و زیارت امام را با توجه فراوان نسبت به ادای تمام آداب آن، به جای می‌آوردند.

بیرمردی با چهره‌ای مهربان و مطمئن، به واسطه این که نماز می‌خواند، چای خود را نهاده بود تا خنک شود؛ او هر بار که به سجده می‌رفت مهر گلین کوچکی را بر پیشانی می‌نهاد.^۷ مغازه‌های متعددی در خیابان اصلی صدها عدد از این مهرها را قطعاً برای فروش عرضه می‌کردند، ولی شنیدم که یکی از ائمه علیهم‌السلام فرموده است: فروش خاک برگرفته از تربت مقدس و آغشته به خون امام حسین علیه‌السلام مانند فروش گوشت خود حضرت است. اما وقتی کربلا را ترک می‌کردیم، راننده ۲۰ سنت^۸ برای خرید جعبه‌ای کبریت پرداخت و به جای بقیه پولش تعداد فراوانی از این مهرهای گلین کوچک گرفت. فروشندگان دوره‌گرد ۱۰۰ عدد از این مهرها یا مقداری در این حدود را بر طبقی به عنوان تحفه ظاهری زیارت، نزد زائر احتمالاً مشتاق آورده و می‌گویند که [برای مهرها] قیمتی تعیین نمی‌کنند، بلکه مشتری با پرداخت پول در روز قیامت برای خود ثواب جمع می‌کند و این به خاطر آن است که مشتریان معمولاً مزد فروشندگان دوره‌گرد را در این دنیا می‌پردازند، ولی این رسم برای زائران ثروتمند آزار دهنده است. بازرگانان هندی این مهرها را حدوداً هر صد مهر ۳ روپیه^۹ می‌خرند و در بسیاری جاهای کربلا فروشندگانی هست که عملاً تمام آنها را به فروش می‌رسانند.

تصور می‌رود که خاک این مهرها را از قتلگاه امام می‌آورند؛ تسبیحی از این خاک معمولاً یکی از پرکاربردترین چیزهاست. این تسبیح ۳۴ دانه دارد و مؤمن پارسا در اوقات فراغتش با

این تسبیح به گفتن ۳۴ «الله اکبر»، ۳۳ بار «الحمد لله» و ۳۳ بار «سبحان الله» می‌پردازد.^{۱۰} وقتی شیعه‌ای می‌میرد اگر طوقی از این دانه‌های گلین بر دور گردنش، انگشتری گلی بر سبابه دست راستش و ۲ بازوبند گلین بر دو بازویش داشته باشد بسیار سعادتمند است و باید اندکی از خاک جارو شده مرقد را در پارچه‌ای بسته، در دست راستش قرار دهند و اگر بر کفن او آیاتی از قرآن را با این گل بنویسند، خوب است.

معتبرترین کتاب راهنمای زائران شیعه، *تحفة الزائرین*^{۱۱} [هدیه‌ای برای زائران] می‌باشد که آن را نویسنده کثیر التألیف و مشهور، محمد باقر مجلسی در قرن شانزدهم میلادی نوشته است. این کتاب به ویژه تصریح می‌کند که تنها خاک متبرک محدوده اطراف مزار حضرت، خواص شفا بخش دارد. در روایت است که امام هفتم، موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: مردم نباید از خاک مزار او یا هیچ یک از دیگر ائمه جز امام حسین علیه السلام بگیرند، زیرا به اعتقاد وی خداوند [تنها] به این خاک به خصوص فایده شفا بخشی شیعیان و یارانشان را عطا کرده است.^{۱۲} اعتقاد بر این است و احادیث مقبول ائمه علیهم السلام نیز این را تأیید می‌کند که اگر فردی مریض و در آستانه مرگ باشد، لیکن با ایمان خالص به امام حسین علیه السلام قدری از این خاک را بخورد، زنده می‌ماند. اما امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: خوردن تربت جایز نیست چون این کار مانند خوردن خون بدن می‌باشد، الا تربت امام حسین علیه السلام که درمان هر دردی است و اثر شفابخشی آن خاک تا شعاع حدود یک مایل وجود دارد. به هر حال این وعده امام رضا علیه السلام مشروط به این است که اگر اراده خداوند بر مرگ کسی قرار گرفت، آن گاه حتی خوردن این خاک نیز سودی نخواهد داشت. گفته‌اند که هر کس قدری از این خاک معجزه‌آسا را بر سر بگذارد از بیماری و بداقبالی مصون خواهد بود؛ به فرموده امام رضا علیه السلام اگر فردی گوشت خوک بخورد و بمیرد وی بر او نماز میت نمی‌گزارد مگر این که شخص متخلف تربت حسین علیه السلام را بر سر نهد.^{۱۳} شیعیان بر این باورند که اگر ارواح خبیث یا اجنه کافر در فردی که این خاک را

همراه خود دارد، حلول کنند، عطر خوشبویی را حس خواهند کرد، هر چند خود شخص ممکن است از آن آگاه نباشد.

[در این حال] ساعت برج، ساعت ۳^{۱۴} (یعنی ۳ ساعت بعد از طلوع خورشید) را اعلام کرد؛ چون به برج نگریم به وضوح تمام آثار تعمیر مختصری را که با حلبی [بشکله‌های] بنزین در آن صورت گرفته و کرمیت روزولت* از آن یاد کرده است، دیدم.^{۱۵} آن گاه به سوی زنجیرهای ممنوعه گام برداشتم و مشتاقانه به درون [حرم] نگریم، چقدر آرزو داشتم که بتوانم به درون بروم و یک روز کامل را در بررسی کاشی‌کاری‌ها و خواندن کتیبه‌ها بگذرانم. کتاب بی‌نظیر لسترنج (سرزمین‌های خلافت شرقی) را که گلچینی از محتویات کتب جغرافی دانان مسلمان است در اختیار داشتم، وی در آن جا می‌گوید: حتی قبل از سال ۸۵۰ میلادی (۳۳۶ قمری) نیز باید در کربلا مقبره ماندی موجود بوده باشد زیرا در این هنگام بود که متوکل با صدور فرمان ویرانی و به آب بستن مرقد امام حسین علیه السلام، برای همیشه منفور شیعیان شد و می‌دانیم که بعدها این محل را شخم زده و در آن بذر کاشتند و زیارت کربلا را با وضع جریمه‌های سنگین ممنوع کردند.^{۱۶} استخری و ابن حوقل^{۱۷} می‌گویند که احتمالاً به زودی، اما چند سال پس از به قدرت رسیدن سلسله بویه، در قرن دهم میلادی (چهارم قمری) دوباره چنین بنایی ساخته شد^{۱۸} که [ظهور این سلسله را] نباید به منزله برکناری خلفای عباسی از حکومت دانست، ولی در آن ایام عباسیان جداً از اقتدار دنیوی‌اشان برکنار ماندند. عضدالدوله، همان امیری که بارگاه امام علی علیه السلام را در نجف ساخت، به سال ۹۲۹ میلادی (۳۱۷ قمری) بنای یاد بود باشکوهی [تیز]، در کربلا برآورد. اما از آن رو که قدرت آل بویه دیری نپایید، ملاحظه می‌کنیم که به سال ۱۰۱۶ میلادی (۴۰۷ قمری) گنبد این مرقد با شکوه در آتش سوخت. دیدار کننده بعدی، ملک‌شاه سلجوقی بود که گویا پس از بازسازی گنبد در

*. Kermit Roosevelt.

سال ۱۰۸۶ میلادی (۴۷۹ قمری) از کربلا دیدن کرده است.^{۱۹}

اما قبل از مستوفی - در قرن چهاردهم میلادی (هشتم قمری) هیچ توصیفی از کربلا و مرقد حسین علیه السلام وجود ندارد^{۲۰} و صف خود مستوفی نیز کافی نیست، چه علاوه بر انتساب بنای ساختمان اصلی به عضدالدوله، مؤلف صرفاً می‌گوید که در زمان او شهر کوچکی به مساحت ۲۴۰۰ قدم در اطراف این مرقد به وجود آمده است. ولی ابن بطوطه که سفرنامه خویش را حدوداً در همین ایام نوشته است، از مدرسه دینی مهمی یاد کرده و به ذکر جزئیات در باب مرقد حضرت می‌پردازد، او می‌گوید: آستان متعدد این مقبره^{۲۱} که زوار به هنگام ورود آن را می‌بوسند از نقره ناب است؛ مرقد را با چراغ‌های متعدد طلا و نقره روشن کرده و درها را با پرده‌های حریر پوشانده‌اند. وی درباره این شهر کوچک می‌افزاید: سپس در اثر نزاع بی‌وقفه فرق رقیب، ویرانی جدی پدید آمد، اما شهر در آغوش نخلستان‌های فراوان که نه‌رهای رودخانه فرات آنها را به خوبی آبیاری می‌کند، پا برجا ماند.^{۲۲}

من آن جا در مدخل ایستاده و فکر می‌کردم که چطور به بهترین وجه [ممکن] به دیدن این نقاط جالب تاریخی بروم که در این هنگام صدایی شبیه به آوای سرود خوانی در کلیسا را شنیدم؛ کاروانی از زوار^{۲۳} تحت سرپرستی راهنمایی حرفه‌ای [به شهر] نزدیک می‌شد. [مردم] همان طور که نزدیک می‌شدند، پس از قافله سالارشان زیارت‌نامه به خصوصی را می‌خواندند. همان گونه که حدس می‌زدم این زیارت‌نامه را گارسن دوتاسی* ترجمه کرده است که ترجمه او را در ذیل می‌آورم.^{۲۴}

که خداوند متعال نیایش‌هایی را که برای آسایش روح آن دو امام همام ادا می‌کنم، بپذیرد.
 آن دو امام شهید و محبوب خداوند، دو قربانی بی‌گناه خبثت [ستمکاران].
 آن دو امام خجسته، ابو محمد حسن و ابا عبدالله حسین علیه السلام.

*. Carcin De Tassy.

و هم چنین دعاهایی را که به ۱۲ امام و ۱۴ معصوم و ۷۲ شهید صحرای کربلا تقدیم می‌دارم، بپذیر.^{۲۵}

آن زایران خسته از سرزمین‌های دور دست بدان جا می‌آمدند و سوار بر ماشین نبودند، بلکه از ۴ تا ۸ هفته در راه بودند و هر روز هنگام طلوع خورشید سوار بر استرهایشان شده و ۸ تا ۱۲ ساعت به حرکت ادامه می‌دادند. [اینان] مردان و زنانی بودند که از ظاهرشان می‌شد فهمید اغلب روستایی یا شاید صنعت‌گر و یا فروشنده خرده‌پا هستند؛ در میان آنان به طرز جالبی پیرزنان فراوانی به چشم می‌خورد، مادر بزرگانی که اکنون آرزوهای زندگی‌اشان را تحقق یافته می‌دیدند من هم چنان که زوار عبور می‌کردند و به جانب کاروانسرای نزدیک ره می‌سپردند، چهره هایشان را واری می‌نمودم؛ بر تمام آنها اثر جدیت بسیار هویدا بود.

آیا می‌توان دریافت که این زیارت برای آنان چه معنایی دارد؟ در تمام زندگی‌اشان هر گاه کودکی را ختنه می‌کنند، هر وقت زوجی ازدواج می‌کنند، هر وقت کسی می‌میرد، این مردم روحانی را دعوت کرده و او بخشی از شرح مصیبت بار واقعه کربلا را در حالی که همه می‌گیرند، می‌خوانند.^{۲۶} آنان ثواب فراوانی^{۲۷} را که ائمه رسماً به زوار وعده داده‌اند، می‌دانند و آیا این وعده‌ها در کتبشان نیامده و ایشان این وعده‌ها را از قراء که هر شب یا در طول سفر پیوسته آنها را می‌خوانند، نشنیده‌اند؟ آنان از کودکی شنیده‌اند که در اطراف مزار ۴ هزار فرشته است، فرشتگانی که روز و شب می‌گیرند و هر چه از تمام نقاط - حتی سرحدات - زایر بیاید، این فرشته‌ها به استقبال آن زایر می‌روند، اگر بیمار شود به کمکش می‌شتابند و اگر بمیرد، بر سر مزارش رفته و برایش طلب آمرزش می‌نمایند. خداوند به این فرشتگان فرموده است که خود متکلف رفع تمام نیازهای مادی زایران است و گناهان ۵۰ سال هر زایر را می‌بخشد. اکثر آنان با پول اندکی می‌آیند و می‌دانند که [با آن پول] در کربلا فقط می‌توانند نان بخرند، با این همه برای بازگشتن‌شان نیز پول کافی باقی می‌ماند. آنان باید خیرات و [مبرات] اندکی نیز

هدیه کنند، زیرا پولشان که پس انداز خانواده‌ای است به آرامی فراهم آمده مانند پولی که در کشورهای که زیارت دینی متداول نیست، به مؤسسات بیمه پرداخت می‌گردد. مقایسه مطرح شده میان [این نذورات] و بیمه‌نامه، سودمند است.^{۲۸} چون زیارتنامه‌ها فقط عمر بیشتری را به زوار معتقد این مرقد وعده می‌دهند، بلکه بر چیزی تصریح می‌کنند که می‌توان آن را فواید بیمه خواند، [به این شکل که] هر کس با اشتیاق فراوان این زیارت را انجام دهد، اجر هزار حج و هزار شهادت و هزار روز روزه و آزاد کردن هزار برده را می‌برد. در زیارت سال بعد نیز ارواح پلید و شریر نمی‌توانند به این زایر آسیبی برسانند چه خداوند خود حامی اوست و اگر بمیرد فرشتگان در مراسم تدفین وی حضور می‌یابند و در روز محشر در زمره یاران امام حسین علیه السلام بر می‌خیزد که او را با پرچمی که در دست دارد، می‌شناسند و امام پیروزمندانه زبیرانش را مستقیماً به بهشت راهبری می‌کند. بنابر روایت دیگری، اگر زایری در کربلا بمیرد، فرشتگان بدن وی را غسل داده و او را به بهشت، جایی که به پاداش مقدار هزینه او در این زیارت ۱۰ هزار^{۲۹} درهم منتظر اوست، می‌برند. در روز محشر نیز تمام کسانی که در هر یک از مقابر ائمه مدفونند، گناهانشان هر چه باشد در معرض حساب نیستند. جز این که چنان که در صحیفه‌ای آمده مستقیماً به بهشت صعود می‌کنند و فرشتگان دستان خود را به خوش آمد گویی آنان تکان می‌دهند.

چون بنابر اکثر مراجع، این جا در دشت کربلا ۴ هزار تن از سواران عمر بن سعد پیکر امام حسین علیه السلام را زیر سم اسبان خویش لگدمال کردند و خون امام حسین علیه السلام به همراهِ ۶۲ یا ۷۲ نفر از اصحاب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به زمین ریخته شد و با خاک در آمیخت، کربلا نزد گروه زیادی از مسلمانان که از ابتدا دل در گرو دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند، تقدس یافته است. شیعیان در شهادت امام حسین علیه السلام با حرکت دسته‌جمعی‌اشان در محرم سوگواری می‌نمایند و [نقطه] اوج آن نوعی به نمایش درآوردن پرشور تمام وقایع مصیبت بار رخ داده، در کربلاست

که آنها را به شبیه‌خوانی اجرا می‌کنند.

لذا تعجبی ندارد که روایات، مطالب قابل ملاحظه‌ای را در باب تقدس فراوان این مکان نقل می‌کنند؛ امام ششم از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: فرشتگان در حالی که می‌دانستند امام حسین علیه السلام در کربلا دفن خواهد شد خاک متبرک اورشلیم [بیت المقدس] را بدان جا آورده و هزار سال جلوتر، از پیش مشغول آماده سازی مکانی برای دفن حضرت گردیدند. روایت کرده‌اند امام چهارم که فرزند خود امام حسین علیه السلام بود، خبر داده است: مریم باکره علیها السلام به طور معجزه‌آسایی از دمشق^{۳۰} به کربلا آمده و عیسی علیه السلام را در همان مکانی که امام حسین علیه السلام در آن جا مدفون گردید، به دنیا آورده و همان شب همراه کودکش به دمشق بازگشت. ما همچنین در اخبار ملاحظه می‌کنیم که حضرت علی علیه السلام به همراه برخی اصحابش از دشت کربلا گذشته است و چون حضرت به محلی که امام حسین علیه السلام در آن جا شهید شد، رسید، فرمود: ۲۰۰ پیامبر و ۲۰۰ تن از اوصیای پیامبران و ۲۰۰ تن از فرزندان پیامبران پیشین مشتاق بوده‌اند که در این جا دفن شوند.^{۳۱}

طبری ضمن حوادث سال ۹۱۵ میلادی (۳۰۳ قمری)^{۳۲} از حائر^{۳۳} یا محدوده‌ای از کربلا که به واسطه شهادت امام حسین علیه السلام تقدس یافته، یاد کرده است که در آن ایام گروهی که از موقوفات مؤسس ام موسی مادر مهدی^{۳۴} عباسی تأمین می‌شده‌اند، متولیان رسمی کربلا بوده‌اند. زمانی که طبری تنها دوازده سال داشت، متوکل کوشیده بود تا با به آب بستن قبور امام حسین علیه السلام و اصحابش آنها را ویران سازد. اما بنا بر روایتی شیعی محل مزار به طور معجزه‌آسایی خشک ماند و شیعیان همین مکان را در زیارتنامه‌های^{۳۵} خود حائر [= زمین پست] خوانده‌اند.

عکسی که از هوا برداشته شده است نشان از دو مرقد می‌دهد که هر دو را واقع در این منطقه متبرک می‌دانند؛ آن دو بسیار شبیه [به یکدیگرند] زیرا هر یک مناره‌ها، یک برج

ساعت و عمارت وسیع سر پوشیده‌ای داشته و دارای یک صحن یا حیاط همراه با تعدادی اتاق شبیه اتاق‌های یک کاروانسرا می‌باشد؛ دو بنای مرکزی دارند که تقریباً هم شکل و هم اندازه‌اند و فضایی که به زیر اجازه می‌دهد تا مزار را طواف کند. اما جنبه‌های متمایز کننده‌ای نیز میان این دو مرقد وجود دارد که فی‌الغور به چشم می‌آید؛ مرقدی که در جلوی نما قرار دارد به جای دو مناره، سه مناره دارد، این مرقد امام حسین علیه السلام است که گنبدش در زیر نور خورشید و بر اثر تالو آن به روکش طلائی‌اش می‌درخشد. مرقد دوم را به احترام حضرت عباس علیه السلام، برادر ناتنی امام حسین علیه السلام، بنا کرده‌اند.^{۳۶} و گنبدش از کاشی آبی لعاب‌دار است که در مقابل آسمان صاف منظره‌ای بسیار جالب دارد «چون آن را زیر ابر بنگری، بسان توده‌ای فیروزه‌ای، می‌نماید». روایت کرده‌اند که این عباس در نبرد بسیار شجاع بوده و این سخن رواج دارد که خطرناک‌ترین محل برای قسم دروغ خوردن، مرقد اوست، زیرا چنان که دوستی شیعه می‌گفت: او امام نبود که از وی انتظار شفاعت برود، اما صداقت بسیاری داشت.

بهترین راه برای درک اهمیت این دو مرقد، مطالعه گزارشی درباره آخرین مصایب امام حسین علیه السلام و یاران نزدیکش تواند بود. اگر روایات صریح دینوری^{۳۷} را (م ۸۹۵/م ۲۸۲ق) که یکی از قدیمی‌ترین و بهترین مورخان شیعه است، دنبال کنیم، ملاحظه می‌کنیم که اصحاب امام از کشتن و کشته شدن باز نایستادند تا این که فقط اهل بیت حضرت باقی ماند؛ نخستین کسی از ایشان که پیش رفت و جنگید^{۳۸} پسر امام حسین علیه السلام، علی اکبر، بود که پیوسته جنگید تا به شهادت رسید؛ [دشمنان] نیزه‌ای به او زدند که بر زمین افتاد، سپس با شمشیر به قتلش رساندند. بیش از ۶ نفر از آنان یکی پس از دیگری به تنهایی در جنگ کشته شدند و عبدالله پسر مسلم و قاسم و ابوبکر دو پسر امام حسین علیه السلام نیز در میان شهدا بودند.

می‌گویند وقتی عباس بن علی علیه السلام این صحنه را دید، به برادرانش عبدالله و جعفر و عثمان گفت: همراه من حمله برده و از آقایان دفاع کنید تا قبل از او بجنگید و کشته شوید! پس همه

با هم حمله کرده و خود را میان امام حسین علیه السلام و دشمن انداختند تا شخصاً از او حفاظت کنند. عبدالله، جعفر و عثمان یکی پس از دیگری کشته شدند، ولی عباس هنوز نزدیک امام ایستاده بود تا به دفاع از او بجنجد و هر جا که امام می‌رفت همراه وی حرکت می‌کرد تا او را نیز به شهادت رساندند. آن‌گاه امام حسین علیه السلام تنها شد؛ مالک بن بشر کندی به او حمله برده و با شمشیر ضربه‌ای بر سر او زد؛ گویا امام برنسی^{۳۹} (=ردایی بافته شده از ابریشم و پشم) بر سر انداخته بود که شمشیر این پوشش را پاره کرد و سر او را مجروح نمود. پس امام ردا را به کناری نهاده و کلاه^{۴۰} خواست و آن را با عمامه‌ای بر سر گذاشت و نشست و طفلی را - شاید کسی را که برایش کلاه آورد - صدا زد و او را در کنار خود بر صخره‌ای نشانید، اما در حالی که این پسر بچه کنار امام بر صخره نشسته بود مردی از بنی‌اسد تیری سرپهن به سویش پرتاب کرد و او را به شهادت رساند؛^{۴۱} امام حسین علیه السلام مدتی طولانی نشسته در آن جا ماند، زیرا هر قبیله‌ای کشتن او را به دیگری وا می‌نهاد و از اقدام بدین کار ابا می‌کرد. امام تشنه بود، پس ظرفی آب طلبید، ولی موقعی که می‌خواست آب بنوشد مردی به نام حُصَین بن نُمَیر، تیری به سوی او پرتاب کرد که وارد دهانش شد و او را از نوشیدن باز داشت، امام حسین علیه السلام ظرف را بر زمین گذاشت. وقتی جماعت این صحنه را دیدند عقب نشستند، اما چون امام برخاست تا به جانب رودخانه برود میان او و آب موضع گرفتند و حضرت به جای قبلی‌اش بازگشت؛ یکی از آن افراد تیری انداخت که به پشت او اصابت کرد؛ امام تیر را بیرون آورد، ولی زُرْعَة بن شریک^{۴۲} ضربت شمشیری به وی زد، حسین علیه السلام کوشید تا با دست جلوی این ضربه را بگیرد، لیکن شمشیر برق‌آسا بر دستش فرود آمد. سرانجام سنان بن اَوْس نخعی پیش آمد و نیزه‌ای به وی زد و امام فرو افتاد، آن‌گاه حَوْلِی بن یزید اصبحی یورش برد تا سر از تن حضرت جدا کند، ولی دستانش لرزید، لذا برادرش شِیْل سر امام را جدا کرده و آن را به حولی داد.^{۴۳}

بیش از هزار سال از زمانی که این فاجعه در کربلا رخ داده، گذشته و هنوز ده‌ها هزار زائر

هر ساله به کربلا می‌آیند. زوار عمدتاً ایرانی‌اند، اما تعداد زیادی نیز تقریباً از تمام نواحی جهان اسلام برای زیارت این مزار متبرک [به کربلا] می‌آیند. آنان اغلب اجساد خویشانشان را که در وصیت نامه‌های خود شرط نموده‌اند تا در کربلا به خاک سپرده شوند، همراه دارند. در سمت راست مدخل مرقد امام حسین علیه السلام پلکانی وجود دارد که به سرداب وسیعی شاید به طول ۲۰۰ یارد منتهی می‌گردد. اجساد زوار خارجی را در تابوت حمل می‌کنند و جسد‌های پذیرفته شده برای دفن را در قبرهایی واقع در این سرداب وسیع قرار می‌دهند در مرقد حضرت عباس نیز ترتیب مشابهی در دفن اجساد وجود دارد و به من گفتند که اجساد را به مبلغی کمتر از ۵۰۰ روپیه در این دو سرداب بزرگ دفن نمی‌کنند؛ راهنمایم به من گفت که مدفن شهدا، فرزندان امام حسین علیه السلام و دیگر اهل بیتش در مرقد عباس علیه السلام و نزدیک مزار آن حضرت قرار دارد.

در مدخل حرم عباس علیه السلام، توجه زائر به این عبارت که با حروف بزرگ نوشته شده جلب می‌گردد «گستاخانه پا بر این آستان ننهید چه این مکان سجده‌گاه فرشتگان و شاهان است». گنبد حرم حضرت عباس علیه السلام زرین نیست، چه می‌گویند حضرت در خواب به بانی آن - نادرشاه^{۴۴} - هشدار داد که چنین نکند؛ نادرشاه می‌پنداشت عباس علیه السلام را که معمولاً ابوالفضلش می‌خوانند، در خواب دیده که خطاب بدو فرموده است: چون من از حسین علیه السلام کوچک‌تر بوده و خاک پای آقایم می‌باشم، باید در بنایت تفاوت میان آقا و مولا را لحاظ کنی. ولی درون مرقد فرش‌های عالی و ایرانی بسیاری است که تجاری که نامشان در گوشه این فرش‌ها نقش بسته، آنها را [به آستان حضرت] هدیه کرده‌اند. چلچراغ‌هایی سیمین و زرین در زیر گنبد آویزان بوده و نرده نقره‌ای ساده‌ای خود مزار را در برگرفته است؛ درون این نرده، بر خود مزار عمامه و شمشیری قرار دارد که به تصریح روایتی، عباس علیه السلام در آخرین نبرد قهرمانه‌اش از آنها استفاده کرده است. اما شاید مهم‌ترین چیزی که در حرم به چشم می‌خورد سیاهی مدور و چسبیده به سقف گنبد باشد، زیرا نقل است که این سیاهی سر مردی است که در حرم قسم دروغ خورد و

فوراً سر از تنش جدا شده و به سقف چسبید، این روایت حداقل بر این نکته تأکید می‌ورزد که اکثریت بسیاری از شیعیان در قسم خوردن به نام ابوالفضل تردید دارند. زایران مزار او سه بار دور قبر چرخیده و چون به زیر آن نقطه سیاه می‌رسند به گناهان خود اعتراف کرده و از خداوند طلب آمرزش می‌کنند.

ولی دور ضریح امام حسین علیه السلام، یعنی مرقدی که گنبدش زرین است،^{۴۵} نرده وجود دارد؛ نرده درونی از طلا و نرده بیرونی نقره است که آن را به نحو استادانه‌ای ساخته‌اند. این نرده نقره‌ای را ناصرالدین شاه [قاجار] هدیه نموده و نامش بر آن منقوش است. زوار هدایایی [اعم] از پول و جواهرات [با خود] آورده و درون این نرده‌ها می‌ریزند [آنان] به ویژه در اوقاتی که نذری دارند، مشروط به برآورده شدن حاجاتشان از سوی امام، هدایایی [موعودشان] را درون نرده طلایی می‌اندازند. [خدّام] گاه‌گاه این نرده‌ها را باز کرده و اموال را بر می‌دارند و قبل از این که [آنها را] به عنوان بخشی از دارایی مرقد به فروش برسانند، رسماً قیمتشان را برآورد می‌کنند؛ این گشودن [نرده‌های] آرامگاه، خود طی مراسمی صورت می‌گیرد و نمایندگان حکومت [نیز] در این مراسم شرکت می‌کنند.

یک شاهد عینی خوش شانس این جمع‌آوری رسمی اموال و غبارروبی حرم، دیده‌های خود را برای من تعریف کرد، او گفت در آغاز دو خادم به قید قرعه انتخاب می‌شوند؛ ابتدا برای تطهیر در حوض آب سرد حیاط، غسل می‌کنند آن گاه بدن‌های خویش را با پارچه‌های سفید شبیه کفن می‌پوشانند که هر یک شکاف گردن و مچ‌های دست و پای جامه‌اش را محکم با نخ می‌بندد. این کار تنها برای آن نیست که لباسشان باید برای مراسم تمیز باشد، بلکه به خاطر این است که آنان را متهم به نهبان کردن اشیاء گران‌بهای جمع‌آوری شده، نکنند. بعد به طور منظم جلوی قبر سجده می‌کنند^{۴۶} و به هر ۴ سمت داخل نرده می‌روند؛ اول غبار را از اموال متعددی که می‌یابند در حالی که مواظبند آن را پخش نکنند، بر می‌گیرند چه این غبار

خود، ارزشمند است. همچنین در آن جا نان به خصوصی را می‌یابند که گاهی اوقات افراد کاملاً بی‌چیز درون نرده گذارده و از امام درخواست شفاعت نموده‌اند. پس از گذشت حدود ۳ ساعت از این غبارروبی و پاکیزه نمودن دقیق ضریح همراه با جمع‌آوری و دسته‌بندی آن اشیاء قیمتی، جواهرات و قدری از غبار متبرکی را که آن دو جمع‌آوری کرده‌اند، بیرون می‌آورند؛ زیور آلات فراوان، گردن بندها، گوشواره‌ها و... به عنوان بخشی از درآمد منظم، عایدی خزانه حرم را تشکیل می‌دهد و خدام غبار متبرکی را در تکه‌های کوچک پارچه می‌پیچند؛ مقدار کمی از آن را در پارچه‌ای موسوم به صُرّه^{۴۷} [ه] ریخته و فی‌الحال به زوار می‌فروشند، چه تصور می‌رود که اگر اندکی از این غبار را همراه فردی دفن کنند، بخشش گناهانش حتمی است.

[مردم] در پایان این مراسم به شکرانه آن چه را که روضه خوانی یا مراسم یادبود می‌خوانند^{۴۸} برگزار می‌کنند؛ در هر حال هیچ سخن یا احساس شادمانی در میان نیست و فقط شبیه‌خوانی وقایع مصیبت بار کربلا در سالیان پیش به اجرا درمی‌آید. خدام مرقد گرد مزار می‌چرخند و با زنجیرهای آهنی که میخ و چاقوهای کوچکی بدان‌ها آویخته‌اند، بر شانه‌های برهنه خویش می‌زنند. آنان تا کمر برهنه شده و عرق‌ریزان می‌چرخند و می‌چرخند و به احترام سیدالشهداء علیه‌السلام و واسطه یا شفیع امینشان در روز حساب، فریاد حسین! حسین! سر می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این نوشتار فصلی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجم (ترجمه و تحقیق نیمه نخست کتاب The shi'ite religion است که به راهنمایی جناب آقای دکتر هادی عالم زاده در سال ۱۳۷۷ش در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به انجام رسیده است.
۲. ر.ک: عباس احمدوند، گذری بر مطالعات شیعی در غرب، مجله مقالات و بررسی‌ها، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دفتر ۶۳، ۱۳۷۷.
۳. برای وصف دقیق کربلا، موسوعة العتبات المقدسة (۸، قسم کربلا) اهمیت تام دارد که در بردارنده مباحثی نظیر کربلا در قدیم الایام، گزارش مختصری از تاریخ کربلا، کربلا در مراجع اسلامی اعم از کتب حدیثی، تاریخی، جغرافیایی و دائرةالمعارف‌هایی مانند فرهنگ اسلام (Dictionary of Islam)، لاروس، خرده دائرةالمعارف اسلام (Shorter Encyclopedia of a Islam) و...، کربلا در ادبیات و شعر و کربلا در مراجع غربی می‌باشد. حائر، حیره و حیرانیز زمینی است که وسط آن صاف و اطرافش مرتفع باشد و یا محل پست و صافی که اطراف آن گودال‌های عمیقی قرار دارد، لذا قبلاً کسی را که به کربلا می‌رفت، به جای کربلا، حائری می‌گفتند؛ البته حائرهاى دیگری نیز غیر از کربلا داریم و باید بدانیم که در گذشته به کربلا حیره می‌گفتند. کلیددار، تاریخ کربلا و حائر حسین، ۸ و ۱۵؛ و درباره محل حائر. ر.ک: همو، فصل ۵ به بعد؛ فس: یاقوت، ج ۴، ذیل واژه کربلا. (مترجم)
۴. خبزالعجم که در عراق بسیار مشهور است (مترجم).
۵. علت تعجب مؤلف در اثر لفظ قهوه‌خانه است، اما در اصطلاح قهوه‌خانه را به جایی گویند که در آن قهوه می‌پزند و چای دم می‌کنند، یا جایی که در آن قهوه و چای درست می‌کنند و فروشند و قهوه‌چی کسی است که قهوه مشروب می‌سازد... و اینک به کسی گویند که چایخانه دارد و چای دم کرده به مردم می‌فروشد و شاید دلیل تحول مدلول این لفظ، به جهت معنای اصلی قهوه که همان خمر و شراب است، باشد. دهخدا، ذیل واژه قهوه‌خانه؛ عمید، فرهنگ فارسی، ذیل واژه قهوه (مترجم).
۶. در باب عدم جواز ورود غیر مسلمین به اماکن متبرکه در جای دیگری به تفصیل سخن

گفته‌ایم. ن ک: دوایت. م. دونالدسن، *مذهب شیعه*، ترجمه و تحقیق عباس احمدوند (تعلیق شماره ۱)، پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ش، چاپ نشده (مترجم).

۷. اعمال اصلی نماز عبارت است از: قیام و رو کردن به سوی قبله، تکبیر، اذان، اقامه... رکوع و سجود؛ سجود [سر به خاک نهادن] رها ساختن وجود خویش است به خواست خدای قادر متعال و تسلیم شدن بدو. بورکهارت، *هنر اسلامی*، ۹۶؛ و قس: *شهید اول*، *اللمعة الدمشقية* فی فقه الامامية، ۱۲ - ۱۴ در مورد مهر نیز باید اذعان کرد که سجده بر مهر بت پرستی نیست، بلکه مهر برداشتن اصلی است بسیاری مترقی که بعدها مقدس هم شده است و چنان که گفتیم سجده به خاک افتادن بنده است جهت خوار کردن خویش در نزد خداوند، چه نماز باید بر خاک باشد. حال برای این که یکی روی فرش چند هزار تومانی و دیگری روی طلا و... سجده نکند، عدالتی برقرار کرده‌اند و مهر را برای همگان وضع نموده‌اند. شریعتی، *جامعه‌شناسی ادیان* - ۷۷ - ۷۹. که البته خرید و فروش آن قابل تأمل است. در باب تسبیح نیز شاید بتوان گفت که برخی تشابهات میان این مسأله در اسلام و شیعه با دیگر ادیان به ویژه ادیان شرقی وجود دارد (مترجم).

۸. هر سنت معادل یک صدم دلار یا پوند است (مترجم).

۹. (در هند، پاکستان و سیلان) هر رویه معادل ۰/۲۱ دلار است (مترجم).

۱۰. منظور ادای تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام است (مترجم).

۱۱. در متن انگلیسی... Tafatuz؛ البته این سخن مؤلف مربوط به چند دهه قبل است (مترجم).

۱۲. مجلسی، *تحفة الزائرین*، ۱۴۶.

۱۳. مؤلف به اشتباه تعبیر خوردن خاک را آورده که نادرست است (مترجم).

۱۴. این عبارت نادرست است، زیرا مبنای ساعت عربی غروب خورشید است و نه طلوع آن (مترجم).

15. Roosevelt, war in The Garden of Eden. 76. قس: طبری، ج ۹، ص ۱۸۵ (مترجم).

16. Brown, Literary of Persia, 1.240.

17. Le Strange, The Lands of The Eastern Caliphate, 78.

۱۸. چون آل بویه متمایل به شیعه بودند به طبع تشیع نیز در آن عصر بسیار رشد کرد و اصول علمی و امروزی آن - چنان که هست - بیشتر در آن ایام مدون شد و افرادی نظیر شیخ مفید و... در همین ایام شکوفا گردیدند. نک: مثلاً: متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم قمری، فصل مربوط به شیعه؛ و قس: اشپولر، ایران در قرون...، ج ۱، ص ۱۵۹ - ۱۸۹ (مترجم).

۱۹. قس: امین، اعیان، ۱، ۶۲۶ به بعد (مترجم).

۲۰. مستوفی، نزهة القلوب، ترجمه Gibb memorial, Le Strange، ص ۲۳، ۳۹؛ برای آگاهی از سخنان دیگر جغرافی دانان مسلمان در باب کربلا. ر.ک: لسترنج، ص ۸۵ و ۸۶، (مترجم).

۲۱. در متن انگلیسی قبر حقیقی.

۲۲. قس: ابن بطوطه، ۱، ۲۴۰ (مترجم).

۲۳. تمام ملل و امم، بزرگان و سران صالحان را گرامی می دارند و آن چه که در هند و یا چین روی داده، خود شاهد این سخن است. شیعه نیز در این کار بر سایر ملل پیشی نگرفته است، چه بزرگان دینی خود را از حد مخلوق بالاتر نمی برد و لیکن آنان را در زمان حیاتشان بزرگ می شمارد و پس از مرگ تقدیس می کند و در این کار روش پیامبر ﷺ را پی می گیرد؛ عبارات زیارتنامه های شیعی نیز در بردارنده سخنانی مؤید توضیح ماست، از جمله: گواهی می دهم نماز را به پا داشتید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و... من با کسی که با شما صلح است در صلح و اگر با شما نبرد کند، با او می جنگم و... معروف الحسنی، اصول التشیع، ۲۹۶ و ۳۰۰؛ قس: زیارتنامه های امین الله، جامعه کبیره، زیارت امیرالمؤمنین، امام حسین و وارث در مفاتیح الجنان، اما ورای این، شور و احساس مردمی است که نمی توان آن را تخطئه کرد، زیرا مردم عادی همین آداب و حرمت ها را از دین می شناسند. (مترجم).

24. L, Islamisme, Garcin De Tassy, 266.

۲۵. از استاد ارجمند جناب آقای دکتر آذرنوش که چون همیشه مرا باروی باز پذیرا شده و بزرگوارانه این سطور را از فرانسوی برای من ترجمه کردند، سپاسگزارم (مترجم).

۲۶. به نظر می رسد که در مراسم عروسی روضه خوانی نمی شود و مؤلف در این باره اشتباه کرده

است. (مترجم).

۲۷. در وجوب زیارت کربلا، امام باقر علیه السلام فرموده‌اند که شیعیان ما باید به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام بروند و رفتن بدان جا بر هر مؤمنی که به امامت حسین علیه السلام از سوی خداوند معترف است، واجب است. شیخ مفید، کتاب المزار، ۳۷. درباره ثواب زیارت امام حسین علیه السلام نیز حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس که پیاده به زیارت [کربلا] برود، خداوند برای هر گام او حسنه‌ای ثبت می‌کند و گناهی از گناهان او را می‌بخشد و اگر سواره برود نیز همین طور است، تا این که به حائر برسد، در این حال خداوند او را جزو رستگاران و نجات یافتگان می‌آورد و چون مناسک را به جا آورد از فائزین محسوب می‌شود. موقعی که می‌خواهد باز گردد فرشته‌ای می‌گوید: رسول‌الله به تو سلام می‌رساند، این کار را دوباره تکرار کن، خداوند تو را بخشیده است. همان، ص ۴۱.

۲۸. این قیاس تنها برای تقریب ذهن خوب است و آلا دعا و حاجت نزد خدا بردن، کاسبکارانه و یک طرفه نیست، دو طرفه (دیالوگ) است (مترجم).

۲۹. شاید منظور، ۱۰ هزار درجه و مرتبه باشد (مترجم).

۳۰. به موجب نص انجیل متی و انجیل لوقا، تولد عیسی علیه السلام را در بیت لحم در جنوب اورشلیم گفته‌اند، جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ۵۲۸. (مترجم).

۳۱. مجلسی، همان مذکور در قبل، ۱۶۴.

۳۲. طبری، وقایع تاریخ خویش را در سال ۳۰۲ قمری به پایان برده است و بنده نتوانستم ذیل وقایع این سال یا وقایع سال ۳۰۳ قمری که عریب به سعد افزوده، تأییدی بر این سخن مؤلف بیابیم؛ ضمن این که مادر مهدی عباسی، آروی خواهر یزید بن منصور حمیری و مکنی به ام موسی بوده است، طبری، ۸، ۱۰۲ (مترجم).

۳۳. حائر یعنی زمین پست، المنجد (مترجم).

34. EI¹, Art "Hair" by Herzfeld, also Art "Meshhed Husain".

۳۵. مجلسی، همان مذکور در قبل و مفاتیح الجنان، ۳۶۶.

۳۶. مادر حضرت عباس، ام‌البنین فاطمه بنت حزام است؛ عباس علیه السلام جامع فضل و مثل والای

شجاعت بوده و کنیه اش ابوالفضل و ملقب به باب الحوائج و به گفته‌ی امام صادق علیه السلام عبد صالح می باشد. برخلاف نظر ابوالفرج در مقاتل و طبری در تاریخش، وی برادران خویش را در نبرد پیش نینداخت، بلکه آنان همگی در دفاع از امام آن قدر کوشیدند تا به شهادت رسیدند؛ اکثر اصحاب معاجم و مورخان نیز این سخن صحیح را در زیارت ایشان فراموش کرده اند که «وی مدفون در کنار شط فرات علقمی است. مقرر، قمر بنی هاشم، ۹، ۱۰، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۵۰ و ۱۱۹. زیرا حضرت قصد داشت اندکی آب برای کودکان ببرد که در کنار آب به شهادت رسید. شریف القرشی، العباس بن علی، ۲۰۴ - ۲۱۰؛ دیگر این که شمر بن ذی الجوشن که با عباس علیه السلام بستگی داشت برای حضرت و برادرانش امان گرفت تا آنان را از امام حسین علیه السلام جدا کند و لیکن حضرت نپذیرفت و در پاسخ به اذن امام در ترک ایشان فرمود: هرگز تو را ترک نمی کنیم و بعد از تو زندگی معنایی ندارد. هم او، ۱۶۶ - ۱۶۷ و ۱۷۳ (مترجم).

۳۷. دینوری، کتاب الأخبار الطوال، ۲۶۸؛ و یعقوبی، تاریخ، طبع Houstama، ۲، ۲۵۳ و ۲۸۹؛ و A. Noldeke, Das Heiligtum at Husains Zu Kerbala, Berlin, 1909 (البته اگر منظور مؤلف نولد که مشهور باشد نام او تئودور است.) (مترجم).

۳۸. در این باره یعقوبی می گوید: یاران امام یک نفر یک نفر جنگیدند و دشمن آنان و حتی نوزاد امام را نیز به شهادت رساند... سرانجام حضرت به آنان حمله برد و جمع بسیاری از ایشان را به هلاکت رساند... و تیری به او رسید که در گلویش فرو رفته و از پشت سرش بیرون آمد، پس افتاد و برخی افراد دشمن یورش برده و سر از تن امام جدا کردند که عمر بن سعد آن را نزد ابن زیاد فرستاد. آن گاه خیمه های امام را غارت نموده و زنان و کودکانش را اسیر به کوفه بردند. یعقوبی، ۲، ۱۸۱، ۱۸۲ (مترجم).

۳۹. خز (مترجم).

۴۰. شب کلاه یا قلنسوه (مترجم).

۴۱. این کودک عبدالله اصغر بوده است. امین، اعیان، ۱، ۶۱۰ (مترجم).

۴۲. زرعه بن شریک التمیمی (مترجم).

۴۳. توصیفات فوق مربوط به لحظات آخر زندگی امام علیه السلام است و آلا ایشان بسیار شجاعانه جنگید تا به درجه رفیع شهادت نایل شد. قس: طباطبایی، *شیعه در اسلام*، ۱۳۴ - ۱۳۷ (مترجم).

۴۴. قس: جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ۲، ۸۲۸ (مترجم).

۴۵. این توصیف مربوط به حدود شصت و چند سال قبل است (مترجم).

۴۶. این سجده، سجده احترام است و برای عبادت نیست (مترجم).

۴۷. همیان (مترجم).

۴۸. در جریان قیام توابین، ایشان ابتدا از نخيله به کربلا رفته و بر سر قبر مطهر امام حسین علیه السلام گرد آمدند. در آن جا از خود بی خود شده و گریه و زاری سر دادند و عزاداری و سوگواری بی نظیری برپا داشتند. به گفته ولهاوزن: این رخداد که اولین بزرگداشت قبر امام حسین علیه السلام بود، ماهیتی عربی دارد. منقول در جعفری، ۲۷۱. اما به گمان ما نخستین عزاداری در همان روز عاشورا انجام شد و بعداً نیز ائمه به ویژه امام سجاد علیه السلام بدین کار مبادرت ورزیدند. البته این اقدام توابین نیز از نخستین عزاداری‌های مردم تواند بود که نقطه اوجش این است که معزالدوله دیلمی - پس از غلبه بر بغداد - دستور داد (۳۵۲) مردم بازارها را بسته و زنان با سر و روی برهنه بر امام حسین علیه السلام بگریند و اهل سنت به دلیل کثرت شیعه و همراهی سلطان با آنان نتوانستند مانع این کار شوند. ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ۶، جزء ۱۱، ۲۵۹. در عصر صفویه تا قاجار هم این نوع عزاداری‌ها ادامه یافته و تکمیل شد، (مترجم).

منابع و مأخذ مؤلف:

۱. حمدالله مستوفی قزوینی، *نزهة القلوب*، طبع و ترجمه لسترنج (الاقسام ۱ و ۲)، ۱۹۱۵ و ۱۹۱۹.
۲. الدینوری، ابوحنیفه، *الاحبار الطوال*، طبعه Kratchkovsky and guirgass (۱۹۱۲).
۳. الملا محمد باقر المجلسی، *تحفة الزائرین* (طهران، ۱۸۵۷).
۴. الیعقوبی، ابن واضح، *التاریخ*، (لیدن، طبعه هوتسما، ۱۸۸۳).

- Browne, E. G., *Literary of Persia*, 4 Vols, London, 1908 _ 1924.
- Garcin DE Tassy, L, *Islamisme*, Paris, 1874.
- LE strange, G, *The lands of The eastern caliphate*, Cambridge.
- Noldeke. A. *Das Heiligtum alhusains zu Kerbala*, Berlin 1909.
- Roosevelt, Kermit, *war in The Garden of Eden*.
- *The EncycloPedia of islam*, (1Th editen) leyden, 1913.

منابع مترجم:

- ابن کثیر دمشقی، *البدایة و النهایة*، دقق اصوله و حقه الدكتور احمد ابو ملحم، الدكتور علی نجیب عطوی، الاستاذ فؤاد السید، الاستاذ مهدی ناصرالدین و الاستاذ علی عبدالساتر، الطبعة الثانية، (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۴۰۷/ق/۱۹۸۷م).
- اشیولر، برتولد، *ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه عبدالجواد فلاطوری، چاپ سوم، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹).
- امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، حقه و اخرجه حسن الامین (دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۴۰۳/ق/۱۹۸۳م).
- بورکهارت، تیتوس، *هنر اسلامی*، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۵).
- جعفری، حسین محمد، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت اللهی، چاپ هشتم، (تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴).
- خلیلی، جعفر، *موسوعة العتبات المقدسه*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية، (بیروت، ۴۰۷/ق/۱۹۸۷م).
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹).
- _____، *امثال و حکم*، چاپ سوم (تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲).

- شریعتی، علی، *جامعه‌شناسی ادیان* (بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۵).
- شریف القرشی، باقر، العباس بن علی، *دارالاضواء*، الطبعة الاولى (بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م).
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *کتاب المزار*، الطبعة الاولى، (قم، التحقیق و النشر - مدرسة الامام المهدي، ۱۴۰۹ق).
- طباطبایی، سید محمد حسین (علامه)، *شیعه در اسلام*، با مقدمه دکتر سید حسین نصر، (بی‌جا، قائم، ۱۳۴۸).
- الطبری، ابن جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (دار - سویدان، بی‌تا).
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی* (تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹).
- کلیددار، سید عبدالجواد، *تاریخ کربلا و حائر حسین*، ترجمه محمد صدر هاشمی، *حبل‌المتین* (اصفهان، بی‌تا).
- لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، چاپ سوم (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۷).
- معروف الحسینی، هاشم، *اصول التشیع*، عرض و دراسة (بیروت، دارالقلم، بی‌تا).
- متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو (تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴).
- موسوی مقرّم عبدالرزاق، *قمر بنی‌هاشم* (المطبعة الحیدریة فی النجف، ۱۳۶۹ق/۱۹۴۹م).
- میر احمدی، مریم، *دین و مذهب در عصر صفوی*، (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳).
- یاقوت الحموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله، *معجم البلدان* (بیروت، دار صادر للطباعة و النشر، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۷م).